

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره چهارم-زمستان ۱۳۹۳-شماره پیاپی ۲۶

تصحیح انتقادی دیوان طرزی افشار و سبک‌شناسی شعر او

(ص ۷۵-۹۱)

میثم حنیفی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۲۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵

چکیده

طرزی افشار از شعرای برجسته قرن یازدهم هجری است. شهرت طرزی به جهت بسآمد بالای افعال موسوم به افعال جعلی در دیوان اوست. این موضوع موجب زنده ماندن نام طرزی شده اما از سوی دیگر نام او را با تفنن ادبی قرین کرده و سبب شده تا محققین، کمتر به نقد جدی و بررسی اشعار او بپردازند. با بررسی دقیق شعر طرزی در مییابیم که قصد شاعر فراتر از تفریح و تفنن است و نظام و قاعده‌مندی دقیق در ساخت مصدرهای جعلی و رسمیت بخشیدن به این ویژگی در نزدیک به تمام اشعار (اعم از نعت و مدح و تغزل و تفنن و وصف حال) ما را با شاعری هوشمند مواجه میکند که تلاش دارد راهی نو در ارائه مضامین شعری و نیز گسترش ساختاری زبان فارسی بیابد. در این مقاله پس از تبیین لزوم تصحیح انتقادی دیوان طرزی و بازنمایی نمونه‌هایی از تصحیفات راه یافته به دیوان چاپ شده در سال ۱۳۰۹ (و تجدید چاپ شده در سال ۱۳۳۸)، مهمترین ویژگیهای سبکی شعر طرزی در سه سطح زبانی، فکری و ادبی بررسی شده است. در بخش ویژگیهای زبانی پس از تبیین نوعی افراط در ساخت بعضی از افعال، به نمونه‌هایی از افعال جعلی به کار رفته در دیوان اشاره شده که به افعال جعلی مرسوم در زبان معیار بسیار نزدیکند و قابلیت ورود به زبان معیار را دارند. در بخش ویژگیهای فکری به موضوعات تکرار شونده از قبیل عشق، مدح ائمه اطهار (ع)، انتظار منجی، مدح صفویان، اندرز و مبارزه جدی شاعر با غلیان و تنباکو و بنگ و شراب اشاره شده است. در بخش ویژگیهای ادبی ابتدا امکان ویژه شاعر در ساختن ایهام با ذکر چند نمونه تبیین شده و سپس از انواع ایهام و دیگر آرایه‌های بدیعی و بیانی نمونه‌هایی آمده است.

کلمات کلیدی: طرزی افشار، تصحیح انتقادی، سبک‌شناسی، افعال جعلی، ایهام

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی(ره) meysamhanifi@yahoo.com

مقدمه

طرزی افشار از شعرای برجسته قرن یازدهم هجری است. مهمترین خصیصه شعر طرزی که بدان مشهور شده و تخلص شاعر نیز به سبب همین خصیصه و طرز خاص است، وجود افعال موسوم به افعال جعلی است؛ تا جایی که کمتر شعری در دیوان او یافت میشود که از این ویژگی سبکی خالی باشد.

هرچند این طرز نو موجب زنده ماندن نام طرزی شده اما از سوی دیگر نام او را با تفنن ادبی قرین کرده و سبب شده تا محققین، کمتر به نقد جدی و بررسی اشعار او بپردازند تا جایی که در بعضی از کتب مرجع تاریخ ادبیات (همچون تاریخ ادبیات مرحوم ذبیح‌الله صفا) حتی نامی از طرزی به میان نیامده است چه رسد به شرح احوال و نقد شعر او.

این در حالیست که با ورق زدن دیوان طرزی و مطالعه اجمالی آن، به اشعار لطیف و مؤثری بر میخوریم که تنها بخشی از لطف و آبداری خود را مدیون این طرز نو هستند و بخش مهمی از این تأثیر مربوط به وجود «معانی بلند و لطیفه‌های دلکش» و استادی شاعر در مضمون‌پردازی و بهره‌گیری از صور خیال و ابزار شاعری‌ست. (مرحوم ملک‌الشعراى بهار در حاشیه نسخه خطی شماره ۲۶۸۵ کتابخانه مجلس - که تنها در حدود ۵۶۰ بیت از ابیات طرزی را ضبط کرده - درباره او اینگونه قضاوت کرده‌اند: «معاصر صفویه و گویا در عصر شاه صفی بوده است. صاحب ذوق و سبکی خاص است و در ضمن اشعارش معانی بلند و لطیفه‌های دلکش بکار برده. ذوقی هم از عرفان در اشعارش دیده میشود. بعضی ترکیباتش شیرین و بعضی دیگر بیمزه است و رویهم رفته بد نیست. هفت هشت غزل خوب و قابل نقل و سی چهل فرد ممتاز متفرقه از دیوانش بدست می‌آید. مجالی در ترجمه و تحقیق احوالش بدست نیامده است. موقع فرصت تحقیق خواهد شد.»)

در نگاه اول و در برخورد با فعلهایی که از اسم - اعم از اسم عام و اسم خاص -، انواع صفت، عبارات ترکیبی و حتی عبارات ترکی و عربی ساخته شده‌اند، اولین نتیجه طبیعی که به ذهن میرسد این است که شعر طرزی تماماً در خدمت تفریح و تفنن مخاطب است. (که البته بعضی از اشعار او تا حدی این ویژگی را دارد.) اما به تدریج با تأمل بیشتر در شعر او و با انس گرفتن با این شیوه، نگاه کلی به این دیوان تغییر خواهد کرد. تحلیل سبکی دیوان طرزی و تبیین برجستگیهای شعر او و بازنمایی استادی شاعر در انواع فنون ادبی بدین منظور صورت گرفته است.

پیشینه تحقیق

متأسفانه دیوان طرزی افشار تاکنون به شیوه علمی تصحیح نشده و تحقیق جامعی در باب شعر و شیوه او صورت نگرفته است. دیوان شاعر یکبار در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی به دست مرحوم محمد تمدن به چاپ رسیده و در سال ۱۳۳۸ تجدید چاپ شده است. گذشته از فضل تقدم و تلاش قابل ستایش مرحوم تمدن در جمع‌آوری و چاپ دیوان طرزی افشار، کار ایشان از نظر شیوه

علمی تصحیح متون اشکالاتی دارد که لزوم تصحیح علمی این دیوان را آشکار میکند. تمدن در مقدمه دیوان از بی‌توجهی قدما به شاعر و دست نیافتن به شرح حالی از او در «آثار نویسندگان سلف و صاحبان تذکره‌الشعرا» اظهار تأسف کرده و سپس شرحی از زندگی و سفرها و حالات شاعر از ابیات دیوان استخراج نموده است.

دکتر رضا انزلی نژاد در مقاله «طرزی افشار، شاعری یگانه، شیوه‌ای یگانه»^۱ پس از ذکر خلاصه‌ای از مقدمه مرحوم تمدن، به شیوه‌های تصرف طرزی در زبان و ساخت افعال جعلی پرداخته و از «تسلط و اشراف شاعر به زیر و بم شعر» با نقل سه غزل سخن گفته است.

همانطور که ذکر شد، شعر طرزی هیچگاه آنگونه که شایسته اوست مورد بررسی و نقد قرار نگرفته است. در تذکره‌ها و کتب تاریخ ادبیات، -اگر نامی از او به میان آمده باشد- تنها اشاره‌ای کوتاه به طرز جدید او در ساخت افعال جعلی شده و از ظرایف و جنبه‌های مختلف شعر او سخنی به میان نیامده است.

۱- تصحیح انتقادی دیوان طرزی افشار

۱-۱- دلایل ضرورت تصحیح انتقادی

دیوان چاپ شده در سال ۱۳۰۹ (و تجدید چاپ شده در ۱۳۳۸) از نظر شیوه علمی تصحیح متون اشکالات متعددی دارد. در اینجا به ذکر سه مورد بسنده میشود:

۱-۱-۱- هیچیک از نسخه‌های مورد استفاده ایشان (حتی نسخه اساس) معرفی نشده و مشخص نیست کدام نسخه خطی و با چه معیاری در مقابله و تصحیح استفاده شده است. در نتیجه ابیات از حیث اصالت و صحت قابل تردید هستند. در مقدمه کتاب، تنها مطلبی که در مورد نسخه‌ها وجود دارد این است (بدون ذکر از تاریخ نسخه‌ها و چگونگی آنها از حیث اصالت و صحت و طرز نگارش و تعداد ابیات و غیره): «در پاورقی صفحات، به خط ریز اشاره به اعداد متن شعر عبارت از اشعاری است که در نسخ دیگر به اختلاف نگارش یافته؛ و نظر به تقدم و تاخر تاریخ آنها در تعیین نسخه فقط ترتیب به رعایت حروف تهجی شده. مثلاً (نا) یعنی نسخه ۱. (نب) نسخه ۲ الخ ...»

۱-۱-۲- تمدن، در آغاز دیوان، قطعه‌ای چهار بیتی آورده و در پاورقی اینگونه توضیح داده است: «قطعه فوق در هیچیک از نسخ فعلی موجود نبود. فقط در جنگ مفصلی در تبریز در کتابخانه خصوصی آقای حاجی محمد نخجوانی به نظر رسیده و از آنجا استنساخ و درج شد.» این در حالی است که این چهار بیت در آغاز نه نسخه خطی (نسخه‌های نجف، پاکستان، سه نسخه کتابخانه مجلس، دو نسخه کتابخانه ملک، نسخه دانشگاه اصفهان و نسخه کتابخانه مینوی) ضمن غزلی هفت بیتی ضبط شده است. روشن است که تمدن به هیچیک از این نسخه‌ها که اقدم نسخ نیز در

^۱ - نامه فرهنگستان، دوره چهارم، شماره سوم، مرداد ۱۳۷۹

میان آنهاست دسترسی نداشته و در نتیجه، گذشته از فوت ابیاتی از دیوان چاپی (ابیاتی از غزلها و بیش از صد بیت در قصیده و مثنوی و ترجیع بند و غیره)، امکان استفاده از این نسخه‌ها در مقابله و تصحیح برای وی وجود نداشته است.

۱-۳- در ضبط ابیات در دیوان چاپی اشکالات متعددی وجود دارد. گذشته از اشکالات چاپی (که تعدادشان کم نیست)، در بسیاری از ابیات اختلافهایی با نسخه‌های خطی موجود دیده میشود که در نزدیک به تمام موارد، نادرست بودن ضبط تمدن و دخالت نابجای کاتب یا مصحح با دلایل کافی اثبات میشود. (در بخش بعد به چند نمونه از این تصحیفات اشاره میشود.) با توجه به این نکات، نگارنده بر آن شد تا با بهره‌گیری از شیوه علمی تصحیح انتقادی متون و با استفاده از نسخه‌های متعدد موجود از دیوان طرزی افشار، متن پیراسته‌ای از این دیوان ارائه کند.

دیوان طرزی - بر اساس این تصحیح - در مجموع ۲۴۵۴ بیت دارد شامل: ۲۲۵ غزل (جمعاً ۱۶۴۷ بیت)، ۱۱ قصیده (۲۷۸ بیت)، ۸ مثنوی (۱۹۸ بیت)، ۸ قطعه (۷۲ بیت)، ۳۷ رباعی (۷۴ بیت)، یک ترجیع‌بند (۱۵۴ بیت)، ۲ هزل (۱۹ بیت) و یک غزل و ۳ رباعی ترکی (۱۲ بیت). علاوه بر اشعار، یک بحر طویل نیز در دیوان موجود است.

۱-۲- معرفی اجمالی نسخه‌ها

در این تصحیح از پانزده نسخه خطی استفاده شده است: دو نسخه به عنوان نسخه اساس در نظر گرفته شده است، چهار نسخه به عنوان نسخه بدل و نه نسخه به عنوان نسخه فرعی.

۱-۲-۱- نسخه‌های اساس:

- نجف. کتابخانه امیرالمؤمنین. ش ۳۴۷. این نسخه کاملترین نسخه در بخش غزلیات است و از حیث اصالت متن بسیار قابل اعتناست. تاریخ کتابت نسخه مشخص نیست اما در صفحه اول نسخه بعد از فهرست مندرجات (رساله عروض و قافیه و دیوان میرزا طرزی افشار و دیوان خواجه نظام) تاریخ ۱۲۵۰ و این جمله درج شده است: «در جلوس محمدشاه قاجار درست شد در تبریز ۱۲۵۰»

- تهران. کتابخانه مجلس. ش ۱۸۶۴۱. کاملترین نسخه دیوان است و فقط چند غزل از ابتدای آن افتاده است. در سال ۱۲۳۵ ه. ق کتابت شده و از نظر صحت ضبط و اصالت متن کاملاً درخور توجه است. این نسخه به همراه نسخه نجف نسخه‌های اساس این تصحیح است.

۱-۲-۲- نسخه بدلها:

- پاکستان. کتابخانه دانشگاه پنجاب. ش ۶۴ ۴۵۷۳/VI. در ذیقعدة ۱۱۱۵ ه. ق کتابت شده و شامل غزلیات است.

- تهران. کتابخانه مجلس. ش ۱۴۱۸۱. در سال ۱۱۹۲ ه. ق کتابت شده و شامل منتخبات غزلیات و بحر طویل است.

- تهران. کتابخانه مجلس. ش ۸۹۶ ط . بدون تاریخ (با توجه به شواهد نسخه‌شناسی مربوط به قرن سیزده). شامل غزلیات است.

- تهران. کتابخانه ملی. ش ۱۶۱۸۹. در مجموعه‌ای با تاریخهای مختلف از ۱۲۴۱ ه.ق به بعد.
۱-۲-۳- نسخه‌های فرعی:

- تهران. کتابخانه ملک. ش ۵۸۲۷. سال ۱۲۴۹ ه.ق

- تهران. کتابخانه ملک. ش ۵۱۱۴. سال ۱۲۵۰ ه.ق

- تهران. کتابخانه ملی. ش ۱۳۹۴۱. سالهای ۱۲۴۷ تا ۱۲۵۱ ه.ق

- تهران. کتابخانه مجلس. ش ۷۴۰۵. سال ۱۳۰۷ ه.ق

- تهران. کتابخانه مجلس. ش ۲۶۸۵. سال ۱۳۱۳ ه.ق

- اصفهان. دانشگاه اصفهان. ش ۵۸۱. سال ۱۳۱۳ ه.ق

- قم. کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی. ش ۱۱۵۸۷. بی تاریخ

- قم. کتابخانه آیت الله گلپایگانی. ش ۱۴۸. بی تاریخ

- تهران. کتابخانه مینوی. ش ۸۹. بی تاریخ

۱-۳- چند نمونه از تصحیفات در متن چاپی دیوان مصحح مرحوم محمد تمدن

۱-۳- آفتاب دین ولی الله که هست مهر او مرآت دلها را صفا غزل ۲- بیت ۱۴
۱- ساقی کوثر ولی الله که هست مهر او مرآت دلها را صفا (طرزی، تمدن، ص ۱)

با ضبط «ساقی کوثر» که مخالف ضبط تمام نسخه‌های مورد استفاده ماست بسیاری از زیباییها و تناسبات بیت از بین می‌رود. از جمله: یک استعاره (آفتاب دین) ، یک تشبیه یا استعاره مکنیه (دین به آفتاب تشبیه شده یا دین به آسمانی تشبیه شده که آفتاب دارد) ، یک ایهام ترجمه (آفتاب و مهر) و یک تناسب یا ایهام تناسب (آفتاب و مرآت و صفا)

۱-۳- جلوۀ ناز نخل قدت کو تا فلکانم تن تننارا غزل ۵- بیت ۳
۲- جلوۀ ناز نخل قدت کو تا فلکانم لن ترانا را (طرزی، تمدن، ص ۱۳)

معنای بیت روشن است: اگر جلوۀ ناز نخل قدت تو را ببینم از شوق، نغمۀ سرود و موسیقی را تا فلک میرسانم. (تن تننا: تن تنن : کنایه از نغمه و سرود/ وزن اجزای آواز (لغت‌نامه دهخدا)) مشابه این معنی در ابیات دیگر دیوان نیز آمده است. مانند:

به سوی کلبۀ ما گر قدم نهی ما را گذر ز نه فلکد نغمۀ نشاطیدن غزل ۱۸۳- بیت ۲

^۱ - شماره اشعار و ابیات مطابق ترتیب آنها در دیوان مصحح نگارنده است.

مرحوم تمدن بعد از ضبط عجیب «لن ترانا» در پاورقی اینگونه توضیح داده است: «اشاره به آیه لن ترانی یا موسی الخ». گذشته از اینکه در وزن اشکالی ایجاد میشود (الف اول در ترانا باید کوتاه تلفظ شود) و گذشته از اینکه در آیه، «لن ترانی» آمده و نه «لن ترانا» با این ضبط معنای روشن و صحیحی هم از بیت به دست نمی‌آید.

۱-۳-۲- من محظوظم ز صورت خوب در هر دو جهانم این گناه است غزل ۲۷- بیت ۸
می محظوظم ز صورت خوب در هر دو جهانم این گناه است (طرزی، تمدن، ص ۲۶)

گناه عاشق حظ بردن از صورت خوب است نه محفوظ ماندن از آن. ابیات دیگر غزل نیز مؤید متن است. عاشق به صورت دلبر نگریسته و از چشم او تیرهایی خورده و روزگارش سیاه شده است: «کز چشم تو روز ما سیاه است.»

۱-۳-۴- بُود محض الطاف بر حال طرزی اگر می‌ثوابد اگر می‌عقابد غزل ۴۷- بیت ۷
نمی‌اختیاریم آلا اطاعت ثوابد اگر طرزی یا عقابد (طرزی، تمدن، ص ۶۴)

متن مطابق است با سیزده نسخه خطی و گذشته از آن کلمات قافیه در این غزل که همگی فعل مضارع اخباری هستند نیز متن را تأیید می‌کند: می‌شرابد، می‌کبابد، می‌اضطرابد، می‌شبابد و ...

۱-۳-۵- در عرصه فنا که درو مرد می‌رود نآورد سر کسی که به ناورد می‌رود غزل ۸۴- بیت ۱
در عرصه فنا که دراو مرد می‌رود نا در دسر کسیکه به نا درد می‌رود (طرزی، تمدن، ص ۵۳)

گذشته از این که بیت با ضبط تمدن معنای مطلوب و روشنی ندارد، زیباییها و تناسبات بیت نیز از بین می‌رود که مهمترین آنها جناس تام مرکب «نآورد و ناورد» است و تناسب و ایهام تناسب بین ناورد و عرصه و فنا و سر آوردن.

۱-۳-۶- از لب عتاب‌وشت بوسه‌ای پیش من از صحن مزعفر الذ غزل ۹۵- بیت ۳
از لب عتاب‌وشت بوسه‌ای پیش من از باده/حمرالذ (طرزی، تمدن، ص ۸۳)

ضبط تمدن با تمام نسخ اختلاف دارد و ظاهراً دلیل تبدیل، ناشناخته بودن معنای «صحن مزعفر» برای کاتب یا مصحح بوده است. حال آنکه این کلمات در شعر کهن سابقه دارد: (صحن در معنای بشقاب و کاسه بزرگ و مزعفر در معنای نوعی حلوا زعفرانی)

زحمت آنجا چون توان بردن که بر خوان مسیح خرمگس را صحن حلوا برنتابد بیش از این (خاقانی، ص ۳۳۹)

پر لاله کن و پر از گل سرخ این صحن رخ مزعفری را (غزلیات شمس، ص ۵۰)

۱-۳-۳- مگر روزیم در بزمش نوازند به کنجی رفته چون نی می‌کنم صبر غزل ۹۸- بیت ۴
۷- مگر روزیم در بزمش نوازند بدین/ندیشه/از وی میکنم صبر (طرزی، تمدن، ص ۸۸)

استخدام به کار رفته در «نوازند» یادآور این بیت مشهور سعدی در بوستان است:

شنیدم که جشنی ملوکانه ساخت چو چنگ اندر آن بزم خلق نواخت (بوستان، باب دوم)

با ضبط تمدن که هیچیک از نسخ خطی مؤید آن نیست، استخدام زیبایی بیت و تمامی تناسبات لفظی و معنایی از بین می‌رود.

۸-۳-۱- نمی‌منت بهشتم دور از تو به کویت چار دیواری مرا بس غزل ۱۰۷- بیت ۴
نمی‌هست و بهشتم بیتو جاننا بکویت چار دیواری مرا بس (طرزی، تمدن، ص ۹۳)

ظاهراً انگیزه تبدیل و ایجاد این ضبط عجیب، ایجاد تناسب لفظی و معنایی میان هشت و بهشت و نیز رعایت تناسب بین هشت و چار بوده است.

۹-۳-۱- دلا جاه جهان بر کس نماند به چاه افتاده چندین جاه جویش غزل ۱۱۵- بیت ۷
دلا جاه جهان راه خطیر است به چاه افتاده چندین جاه جویش (طرزی، تمدن، ص ۹۹)

با این ضبط که متفاوت با تمام نسخ خطی است، گذشته از اینکه به ناچار «جاه» باید تقدیراً «به دنبال جاه بودن» معنی شود، به دنبال جاه جهان بودن تقبیح نمی‌شود و تنها، سختی رسیدن به آن گوشزد می‌شود. حال آنکه نظر شاعر بارها درباره این موضوع با صراحت اعلام شده و مشخص است: «جویای بقا باش که در دار فنا هست / پایدگی سلطنت و جاه مشخص» (غزل ۱۱۷- بیت ۵) ظاهراً تنها دلیل این تبدیل ایجاد تناسب لفظی بین جاه و راه و چاه بوده است.

۱۰-۳-۱- ز بس در هجر تو ضعیف بند است به یک مویی دل دروای عاشق غزل ۱۳۶- بیت ۶
ز بس در هجر تو ضعیف بند است به یک مویی دل شیدای عاشق (طرزی، تمدن، ص ۱۲۲)

روشن است که «دروا» در معنای معلق و آویزان با مفهوم «به یک مو بند بودن» و نیز آویزان بودن در زلف معشوق کمال تناسب را دارد.

۱۱-۳-۱- از بلده همدان به صفهان سفریدم بی‌خرجی و بی‌اسب خرامان سفریدم غزل ۱۵۹- بیت ۱
باز از همدان سوی صفهان سفریدم بی‌خرجی و بی‌اسب خرامان سفریدم (طرزی، تمدن، ص ۱۴۸)

ضبط متن مطابق هفت نسخه خطی از جمله نسخه نجف است. در نسخه مجلس و چهار نسخه دیگر به جای همدان، قزوین درج شده است که با وزن بیت سازگارتر است. فارغ از اینکه کدام ضبط صحیح است، دخالت نابجا در ضبط تمدن آشکار است که به جهت حفظ «همدان» و تصحیح وزن صورت گرفته است.

۱۲-۳-۱- نگرفت اندر آن قد موزون غزلیدم اگر رباعیدم غزل ۱۶۲- بیت ۲
یار موزون من نگوشانید غزلیدم اگر رباعیدم (طرزی، تمدن، ص ۱۵۲)

در یک جابجایی مجازی قد موزون به جای معشوق بکار رفته است: غزل و رباعی من در یار موزونم تأثیر نکرد. در ضبط تمدن که مخالف تمام نسخ است، تبدیل، ظاهراً به دلیل درنیافتن یا نپسندیدن این مجاز و عدول از هنجار بوده است. اما این تبدیل بدون توجه به قوانین دقیق طرزی در ساخت فعل جعلی صورت گرفته است. «نگوشانید» فعل گذرا به دو مفعول است و بکار بردن آن به جای فعل گذرا به یک مفعول «نگوشید» صحیح نیست و در دیوان سابقه ندارد.

۱-۱۳- مشهور عالمیده عدیم‌المثالیّت در سست‌مهری ای مه من آد کرده‌ای غزل ۲۰۰- بیت ۸
مشهور عالمیده عدیم‌الوفائیّت در سست‌مهری ای مه من آد کرده‌ای (طرزی، تمدن، ص ۱۷۵)

گذشته از اینکه ترکیب عدیم‌الوفا ترکیب صحیحی نیست، تمام لطف بیت در روش ایهام (ذم شبیه به مدح) و غافلگیر کردن مخاطب است که با ضبط تمدن از بین می‌رود. در مصرع اول به نظر می‌رسد که شاعر معشوق را به بی‌مانندی و عدیم‌المثالی مدح کرده است اما در مصرع دوم مشخص می‌شود که این بی‌مانندی در صفت مذموم سست‌مهری است.

۱-۱۴-۳- چو سبید داخلد تاریخ سان است: زهی سان سلیمان قزلباش قطعه ۲- بیت ۳۰
چو سبید داخلد تاریخ سانست زهی شأن سلیمان قزلباش (طرزی، تمدن، ص ۲۸۵)

قطعه در مدح شاه عباس دوم و توصیف سان دیدن او از سپاه است. ضبط تمدن قطعاً نادرست است. بر اساس حروف ابجد، مجموع کلمات زهی (۷+۵+۱۰) و سلیمان (۶۰+۳۰+۱۰+۴۰+۵۰) و قزلباش (۱۰۰+۷+۳۰+۲+۳۰+۱+۳۰) و عدد ۳۰۰ میشود ۹۵۳ که اگر با شأن (۳۰۰+۱+۵۰) جمع شود سال ۱۳۰۴ به دست می‌آید که با دوران زندگی شاعر و شاه عباس دوم مطابقت ندارد؛ اما با ضبط نسخه اساس (سان=۶۰+۱+۵۰) عدد ۱۰۶۴ به دست می‌آید که صحیح است.

۱-۱۵-۳- به خام سوخته قرصین چرخ کی ماند سه قرص جو که عطاید سه شب صیامیده قصیده ۹- بیت ۲۱
بخام و سوخته قرصین چرخ کی ماند سه قرص جو که عطارد ز شب صیامیده (طرزی، تمدن، ص ۲۲۵)

قصیده در مدح امیرالمؤمنین علی (ع) است و این بیت اشاره‌ای دارد به داستان نذر سه روز صیام حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) به جهت بهبودی حسنین (ع). سه قرص نان جو که برای افطار سه شب تهیه شده بود در هر شب به ترتیب به درویش و یتیم و اسیر عطا شد و آیات هفتم و هشتم سوره دهر در این باب نازل شد (فرهنگ تلمیحات، شمیس: ص ۴۶۲). نادرستی ضبط «که عطارد ز شب صیامیده» نیاز به توضیح ندارد.

۱-۱۶-۳- این نه تومان وظیفه کز بهر معاش لطفیده صفی‌شهم که خلداد خدش رباعی ۲۲
تصحیف نه ایده زان سبب می‌دهند نعم‌البدلانیده دهیدندی کاش

تمام لطف این رباعی زیبا در ایهامها و حسن تعلیل است. گویا «نه» را با تصحیف «نه» خوانده‌اند و وظیفه شاعر را نداده‌اند (حسن تعلیل). شاعر از متصدیان می‌خواهد که تصحیف نیکویی داشته باشند و نه را ده کنند و نیز وظیفه را بدهند (ایهام خاص در ده). ضمناً از ایهام تبادر در کلمه «نعم» که «نعم» را به یاد می‌آورد و با «نه» تضاد می‌سازد نیز نمیتوان گذشت. تمدن «نه ایده» را «ایده» ضبط کرده است. (طرزی، تمدن ص ۲۰۵) با این ضبط بسیاری از این زیباییها از بین می‌رود.

۲- سبک‌شناسی شعر طرزی افشار

۲-۱- مهمترین ویژگیهای زبانی

«در سخن طرز نوی مخترعیدی طرزی عجیبی نیست اگر شعر تو می‌مرغوبد»

۲-۱-۱- افعال جعلی: اگر بنا باشد تنها یک مشخصه سبکی از دیوان طرزی افشار ذکر شود، آن ویژگی بی‌گمان وجود افعال موسوم به افعال جعلی در بسامد بالاست. خود شاعر نیز بارها به طرز جدید خود اشاره کرده و به آن بالیده است. (سی و هشت بار تنها در غزلیات)

البته استفاده از افعال جعلی به صورت بسیار محدود در زبان و شعر پیش از طرزی نیز سابقه دارد، اما طرزی با گریز از هنجار زبان، راهی نو در ساخت افعال در پیش گرفته و با شیوه‌ای خاص، از عناصر مختلف زبان فعل ساخته است. دکتر رضا انزابی نژاد در مقاله «طرزی افشار، شاعری یگانه، شیوه‌ای یگانه» به شیوه‌های تصرف طرزی در زبان و ساخت افعال جعلی پرداخته و سیزده ساختار جدید را با مثالهایی توضیح داده است که به اجمال عبارتند از: «ساخت فعل از: اسم عام (می-سمندرد)، اسم خاص کسان (الیاسیده‌ای)، اسم خاص جایها (حجازیدند)، دو اسم مترادف یا معطوف و معطوف علیه (می‌پدر و برادرد)، عبارت (می‌یحی‌العظامد)، اسم و حرف یا ضمیر و حرف (نمی‌هرگز علیکی)، اسم (شهیدیده‌ای)، کلمات ترکی (سَسَد)، همچنین کاربردهای عجیب در صفت تفضیلی (می‌انزکد)، فعل نهی به گونه‌ای خاص (مَاحتساب)، ضمیر مفعولی پیش از فعل (میم انکارد)، فاصله میان می و فعل (می‌کج نگاهد)». (نامه فرهنگستان دوره چهارم، شماره سوم)

از بررسی دقیق مجموعه اشعار دیوان میتوان اینگونه حدس زد که ساختن افعال جعلی، در ابتدای کار برای خود شاعر نیز شیوه‌ای در تفنن ادبی بوده و صرفاً به جهت گریز از تکرار و برجسته‌سازی و ایجاد طنز صورت می‌گرفته است اما به مرور زمان استفاده از این افعال به زبان اصلی شاعر تبدیل شده و جدی‌ترین اشعار با مضامین مدح ائمه اطهار(ع)، انتظار منجی، مدح پادشاه و نظایر آن با این شیوه سروده شده است.

در مواجهه با شعر طرزی نیز غالباً وضعیتی مشابه برای مخاطب پیش می‌آید. در ابتدا با مشاهده افعال جدید و بعضاً عجیب جعلی، به نظر می‌آید که شعر طرزی تماماً در خدمت تفریح و تفنن مخاطب است. (که البته بعضی از اشعار او تا حدی این ویژگی را دارد.) اما به تدریج با تأمل بیشتر در شعر او و با انس گرفتن با این شیوه، نگاه کلی به این دیوان تغییر خواهد کرد.

به نظر میرسد که طرزی افشار با تصرف در زبان، گذشته از حلاوتی که در بسیاری از ابیاتش ایجاد کرده در جستجوی راهی نو برای گسترش ساختاری زبان فارسی بوده است. افعال جعلی در دیوان طرزی را از این منظر میتوان به دو دسته تقسیم کرد:

۱- افعال خاصی که به شیوه‌ای افراطی از بعضی اسمهای خاص و عبارات ساخته شده‌اند. احتمال راه یافتن اینگونه افعال به زبان معیار بسیار ناچیز است. افعالی همچون: «می‌راه‌حجّد، نمی‌هرگز علیکی، می‌یحی‌العظامد، می‌ز غیر احتیاطند، می‌بسم‌اللهی و ...»

۲- افعالی که به روشی اعتدالی ساخته شده‌اند و به افعال جعلی مرسوم در زبان معیار چون ترسیدن، جنگیدن و رقصیدن بسیار نزدیکند و اغلب آنها قابلیت به‌کارگیری در زبان معیار را دارند.

به بعضی از این افعال (با همان زمان و صیغه به کار رفته در ابیات) اشاره میشود: «می‌نگاهی، می-سپهوی، برونیدم، خلقیده، می‌وهمی، گمانیده‌ای، لطفیده‌ای، خمید، ظلمیده، ماتیده‌ایم، آهیده‌ایم، بلطف، می‌لطفد، پناهیده‌ایم، پناهیدم، برحم، می‌رحمد، بشاد، می‌لافید، می‌نظری، می‌روانیم، نازکیده، روشنیده، اشکیده، نترمد، نمی‌نرمد، می‌خرابد، گمراهانده، می‌حظد، می‌سلامد، می‌تمامد، ستمیدند، آسانید، بیمارید، خلاصید، منعیدی، غافلیدی، زنگید، رمیدن، بصبر، می‌امیدم، می‌کوچیم، ضعفید، گازیدم، عرقیدم، شرمیدم، صرفیدم، زیانیدم، حرفیدم، می‌فراموشی، نخاموشی و ...»
دیگر ویژگیهای زبانی شعر طرزی اجمالاً بدین قرار است:

۲-۱-۲- کاربرد ویژه از مصدر «استن» به عنوان ردیف؛ شکستش، مستش، دستش و ...
(غزل ۱۱۲) + تبستم، شبستم، مکتبستم و ... (غزل ۱۴۸)

۲-۱-۳- الف اطلاق؛ کمندا، افکنندا، آورندا و ... (غزل ۴)

۲-۱-۴- کاربرد خاص از «کاف» تحبیب و تصغیر در اغلب کلمات یک غزل؛

«فتاده دل به دامک وحشی‌نگاهکی بی‌رحمکی ستمگرکی دل‌سیاهکی ...»
(غزل ۲۲۰)

۲-۱-۵- ساکن کردن متحرک؛

«هرچند دل‌ربای تو بردارد از تو دل تا جانت هست طرزی ازو بردار دل»
(غزل ۱۴۲)

«می‌شکبیم در غم نادیدنش طرزی ولی دیدن روی رقیب از درش می‌آوردم»
(غزل ۱۵۰)

«صاحباً از دل و جگر داریم از برای سگانت ماحضری»
(غزل ۲۱۱)

۲-۱-۶- کاربرد زیاد واژه «نخل» و ساختن اضافه تشبیهی با این واژه؛ نخل قامت: غزل ۳ و ۹ و ۱۱۲ + نخل قد: غزل ۵ و ۳۶ و ۲۱۴ + نخل ناز: غزل ۱۲ + نخل امید: غزل ۱۰۵ + نخل وفا: غزل ۱۵۳ + نخل وصال: غزل ۲۰۱

۲-۱-۷- بسآمد بالای افعال و واژه‌های ترکی و بعضاً ساختن افعال جعلی با لغات ترکی؛ نه‌ازونیده‌ایم=دراز نشده‌ایم (غزل ۱۵) + قیش= زمستان (غزل ۲۴) + ایش=کار (غزل ۲۴) + آچلیده=شکفته شده (غزل ۲۵) + دلم می‌یازلد= دلم شرحه شرحه میشود (غزل ۶۷) + می‌میند=مینشیند (غزل ۸۱) و ...

۲-۱-۸- کاربرد بعضی کلمات جدید همچون توپ و تفنگ (غزل ۷) + غلیان و تنباکو در چندین غزل و قطعه

۲-۱-۹- ترکیبات ساختگی فارسی - عربی مانند:

عدیم‌البُرش:

«کهنه قلم‌تراش عدیم‌البُرش لُنا
شمشیر جوهریده تازه قلو لُهم»
(غزل ۱۸۱)

النامُراد:

«النامُراد طرزی محروم از وصال
باید منقشید به سنگ مزار من»
(غزل ۱۸۸)

کأنَّ الكاه:

«کنون می‌بصره‌ام افتان و خیزان
کأنَّ الكاه از باد سحرگاه»
(قصیده ۸)

۲-۱-۱۰- جابجایی ارکان نحوی؛

«اگر سکندر وقتی که می‌پشیمانی
ز پند پیر مسریچ ای جوان ظریف»
(غزل ۱۳۳)

«غبار خاک کوی دوست طرزی‌ست
سواد دیده بی‌نای عاشق»
(غزل ۱۳۶)

«ای که بر کام رقیبان روزها سیریده‌ای
گر شوی مهمان چه خواهد بود ما را یک‌شبک»
(غزل ۱۳۸)

۲-۱-۱۱- به ندرت تعقید معنوی؛

«تا دیدم ز دیده روانید خون دل
بر دیده‌دیده رحم کن ای دیده‌های من»
(غزل ۱۸۹)

(= ای کسی که ناله و های‌های من را دیده‌ای، بر من که دیده‌ تو را دیده‌ام رحم کن.)

۲-۱-۱۲- انتخاب ردیف‌های دشوار اسمی مانند: ملاذ (غزل ۹۴) + الذ (غزل ۹۵) + خلاص
(غزل ۱۱۶) + مشخص (غزل ۱۱۷) + مخلص (غزل ۱۱۸) + نبض (غزل ۱۱۹) + خط (غزل ۱۲۳) +
لفظ (غزل ۱۲۴) + مرغ (غزل ۱۳۱)

۲-۱-۱۳- گاهی تکرار قافیه؛ غزل‌های ۲۵ و ۳۳ و ۱۰۰ و ۱۵۶

۲-۱-۱۴- به ندرت عیوب قافیه مانند شایگان؛ غزل ۱۲۷: سخنهای تو مطبوع / غزل‌های تو مطبوع

۲-۲- مهمترین ویژگیهای فکری

۲-۲-۱- «در عاشقی آیت است طرزی»؛ مهمترین موضوع تکرار شونده در دیوان، عشق است.
اکثر مضامین و مناسبات معمول بین عاشق و معشوق در شعر طرزی نیز تکرار شده و این بار با طرز

شیرین او حلاوت مخصوصی یافته است. معشوق، مطابق سنت ادبی و مخصوصاً سنت ادبی شعر وقوعی مذکر است:

«از حدیث تو مرده می‌جانند عیسی وقتی ای پسر بحدیث»
(غزل ۳۹)

«ندارم قبله‌گاهی جز تو سوگند به طاق ابروی مردانه تو»
(غزل ۱۹۲)

اشاره به خط و رویدن خط در صورت بارها تکرار شده است؛ برای نمونه در غزل‌های ۱۷ و ۲۲ و ۳۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۶ و ۵۲ و ۱۱۴ و ۱۲۱ و ۱۲۳ (با ردیف خط) و ۲۰۲ (با التزام خط). بعضی از اشعار نیز همچون غزل ۴۰، غزل ۱۱۹، غزل ۲۱۴ و مثنوی ۳ وقوعی است.

۲-۲-۲- عشق به اهل بیت (ع) در سراسر دیوان مشهود است و طرزی نیز مانند اغلب شعرای دوره صفویه اشعار بسیاری در مدح ائمه اطهار (ع) و مخصوصاً امیرالمؤمنین (ع) دارد؛ مانند:

«طرزیا بر رغم هر لغزیده پا دست ما و دامن آل عبا»
(غزل ۲)

«علی را از محمد هر که فرقید ز اهل بیعت تحت الشجر نیست»
(غزل ۳۲)

«به گرداب آتش فتاد آن که او برونید از کشتی هفت و پنج»
(غزل ۴۲)

«دشمنی آل پیمبر آمرّ دوستی حیدر صفدر الذ»
(غزل ۹۵)

«در مجمعی که مرتبه می‌قسمند من می‌خواهم از علی ولی الله مرتبه»
(غزل ۱۹۵)

«ورد سحرش به دفع اغیار «پاشاه ولایت» است طرزی»
(غزل ۲۱۲)

و نیز غزلی با ردیف آل سروده است (غزل ۱۴۱) و قصیده‌ای سی‌وسه بیتی در مدح امیرالمؤمنین (ع) (قصیده ۹). همچنین ابیات بسیار مؤثری در موضوع انتظار حضرت حجت (عج) دارد. مانند ابیاتی از قصیده ۱۱:

بظهور ای که ظهورت فرح احباب است چند از حد برد اعدای شما دجالی
به خلافت شروع ای خلف شیر خدا چند بینیم ز روبه‌صفتان قتالی
قلب این قلب‌زنان بشکن و بنما چو محک مذهب چون ذهب ای نقد علی عالی
آفت افتاده به آفاق چه می‌تأخیری خیر امت تویی از چه نمی‌استعجالی

۲-۲-۳- «غلیان از عمل شیطان است»؛ «گرت بُود غم سیرت به بنگ و باده ممیل»؛ مبارزه بسیار جدی با غلیان و استفاده از تنباکو و بنگ و شراب‌نوشی از موضوعات تکرار شونده دیوان است. مثلاً در غزل‌های ۷ و ۲۶ و ۵۲ و ۶۵ و ۹۳ (با ردیف متنباکوبیید) و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۵۱ و ۱۵۵ و ۱۷۷ (با ردیف نمی‌غلیانم) و رباعی ۳۷

۲-۲-۴- مدح پادشاه صفوی (شاه صفی و شاه عباس دوم) و حسن طلب در چند جای دیوان دیده میشود.

۲-۲-۵- اشاره‌های متعدد به زندگی و سفرهای خود و شکوه از اوضاع و ابنای روزگار از موضوعات مکرر دیوان است. برای نمونه: دست کشیدن از منصب دنیا (غزل ۱۶۰ و ۱۶۳)، دلگیری از آذربایجان و کوچیدن به اصفهان (غزل ۱۷۶)، ملول شدن از اصفهان و آهنگ سفر (غزل ۱۸۶)، عزم سفر حج (قصیده ۸)، سفر به نجف (قطعه ۶)، فقر و شغل میرآخوری در دوره‌ای (غزل ۱۶۰ و غزل ۲۰۴)، شکوه از زمانه و مردم (غزل‌های ۷۵ و ۱۵۱ و ۱۹۰ و ۲۱۴ و ...)، اشاره به غزلخوانی خود (غزل ۱۲۸) و ...

۲-۲-۶- اندرزه‌های مرسوم در شعر اخلاقی و عرفانی همچون لزوم دل نیستن به دنیا نیز در شعر طرزی تکرار میشود. مانند غزل‌های ۸ و ۲۴ و ۳۸ و ۴۶ و ۸۲ و ۱۱۰ و ...

۲-۲-۷- چند مورد هجو از جمله هجو فوقی یزدی شاعر (غزل ۶۸) در دیوان باقی مانده است.

۲-۳- مهمترین ویژگیهای ادبی

آنچه از در نظر گرفتن کلّ دیوان استنتاج میشود، استادی شاعر است در فنون ادبی و به کارگیری اغلب صنایع لفظی و معنوی بدیعی و بیانی در شعر. البته همه اشعار از این منظر یکسان نیستند و بعضی مانند غزل ۹۷، غزل ۲۰۲ و قصیده ۲ آکنده از زیباییهای ادبی هستند و در مقابل، بعضی اشعار مانند غزل ۱۸۴ از این زیباییها کم‌بهره‌اند.

۲-۳-۱- **ایهام**: محبوبترین آرایه نزد شاعر، ایهام بوده است. انواع ایهام (ایهام، ایهام تناسب، ایهام تضاد، ایهام ترجمه، ایهام تبادر، ایهام استخدام و ...) به شکل گسترده‌ای در دیوان مشاهده میشود. فقط در غزلیات (۲۲۵ غزل= ۱۶۴۷ بیت) بیش از ۳۳۰ ایهام وجود دارد، یعنی به‌طور متوسط در هر پنج بیت یک ایهام (که بسیار قابل ملاحظه است).

۲-۳-۲- **ایهام خاص**: گذشته از ایهام‌های مرسوم، طرز جدید و تصرف ساختاری در کلمات، امکان ویژه و منحصر به فردی برای ایجاد ایهام به شاعر بخشیده است که به این طرز موقوف است. چند نمونه از این نوع ایهام:

- «زان لعل، مذاقم مزه شربت جان یافت طرزی ز طبرزد محکایت که لبیدم»
(غزل ۱۵۵)

لبیدم در معنای به لب یار رسیدم به کار رفته و از سوی دیگر لبید در معنای جوال با طبرزد و در معنای سخن و گفتگو با حکایت و به عنوان نام یک شاعر با طرزی ایهام تناسب میسازد.

- «بر مسند نبی نه هر آلوده‌ای ولید در عرصه زمانه نه هر اسب دل‌لید»
(غزل ۹۰)

ولید در معنای ولی شد به کار رفته اما با مسند نبی ایهام تناسب تلمیحی میسازد (آلودگانی چون ولید بن یزید از خلفای بنی امیه که بر مسند پیامبر(ص) تکیه زدند).

- «اگر همت حافظم می‌ظهیرد شوم شعر را در قلمرو نصیرا»
(قصیده ۱)

از ظهیر در معنای پشتیبان و مددکار فعل ساخته شده است. نام شاعر شهیر، ظهیر فاریابی ایهام تناسب زیبایی در بیت به وجود آورده است.

روشن است که برای لذت بردن از تمام این زیباییها باید به دیوان رجوع کرد و در اینجا به ذکر چند نمونه از انواع ایهام بسنده میشود:

- «بر گندی گزلکم چه می‌طعنی بر ریش بزن ببین چه می‌تیزدا!»
(غزل ۶۱)

طعن متبادر می‌شود (در معنای زدن با نیزه) + در ریش ایهام وجود دارد (زخم و موی صورت) + در تیز نیز ایهام تناسب ظریفی نهفته است (تیز بر ریش).

- «بوی شیر از دهن تنگ تو می‌مشمومد رنگ لعل تو شرابی که ز شیراز آمد»
(غزل ۷۰)

تنگ با شراب ایهام تناسب میسازد. (تنگ شراب: آنکه شراب بسیار نتواند گواریدن؛ لغت‌نامه) + تنگ را متبادر میکند (تنگ: صراحی، بلبله؛ فرهنگ معین) + تنگ با شیراز نیز ایهام تناسب میسازد. (تنگ الله اکبر مکان معروفی است در شمال شیراز؛ لغت‌نامه)

- «ای دل مسهل ، واقعه عاشقی ملاف باریست بار عشق که زیرش خمیده قاف»
(غزل ۱۳۲)

گذشته از معنای اصلی (کوه قاف زیر بار عشق میخمد) موهم معنای دیگری نیز هست: حرف قاف (حرف سوم واژه عشق) که حالت خمیده دارد زیر بار واژه عشق خمیده است.

- «چون نرگس تو طالع من در کمال ضعف چون بخت بنده چشم تو در عین خواب غرق»
(غزل ۱۳۴)

در ضعف ایهام استخدام تشبیهی وجود دارد (بیماری چشم معشوق و اصطلاح نجومی ضعف کوکب) + ایهام سه‌گانه در عین (خالص و نفس و ذات چیز) (المنجد)، چشم و چشمه) + ایهام ترجمه در عین (=چشم) + ایهام تناسب دوسویه در عین و کمال (عین‌الکمال)

- «به نشأه نامده بالاتری ز سرخابش به زیر گنبد مینا چرا نتبریزم»
(غزل ۱۷۰)

در سرخاب ایهام دیده میشود (شراب و نام کوهی بر جنوب تبریز؛ لغت‌نامه) + بالاتر در مفهوم ارتفاع با کوه ایهام تناسب و با زیر ایهام تضاد دوسویه میسازد + مینا در معنای ایهامی جام با سرخاب تناسب دارد.

- «به دست هجر یارم در کشاکش دمدام همچو غلیان می‌فغانم»
(غزل ۱۷۵)

در کشاکش ایهام استخدام وجود دارد (اضطراب و معنای ظاهری کشیدن غلیان یا دست به دست شدن آن) + در دست بودن نیز ایهام استخدام میسازد (معنای کنایی: در دست هجر و معنای ظاهری: غلیان در دست) + دم در معنای نفس با غلیان و کشیدن ایهام تناسب میسازد و نیز یادآور دود و دم است. (بُد آنگاه در کلبه با دود و دم / کنون است در بزم با ما بهم؛ اسدی توسی؛ نقل از لغت‌نامه)

- «آهنگ حجاز ساز ای طرزی چون نیست در اصفهان نوائیدن»
(غزل ۱۸۶)

پنج واژه آهنگ، حجاز، ساز، اصفهان و نوا در معنای موسیقایی خود (که در بیت حاضر نیست) ایهام تناسب ساخته‌اند.

- «طرزیا خطش به طرز تازه تعریفده‌ای در فضای شاعری چون باز ترلانیده‌ای»
(غزل ۲۰۲)

خط در معنای نوشتن با شاعری و تعریف ایهام تناسب میسازد. + فضا ایهام دارد (آسمان و عرصه و میدان) + باز در معنای پرنده شکاری و دوباره ایهام دارد.

- «نه مارچوبه سر از سبزه‌ای برونانید که از مدینه مرغی منار پیدائید»
(قصیده ۲)

مرغ (= سبزه، چمن؛ فرهنگ معین) مرغ را متبادر میکند که با مار در مارچوبه (= گیاهی علفی و بالارونده؛ فرهنگ معین) ارتباط دارد.

- «زهر است به چشم، آب حیوان بی مار دو زلف و چشم بیمار»
(ترجیع‌بند)

حیوان در معنای زندگی به کار رفته است. در معنای ایهامی جانور با مار تناسب دارد. + زهر و چشم، زهرچشم (= نگاهی که از روی خشم و غضب کنند؛ فرهنگ معین) را متبادر میکند.

۲-۳-۳- بعد از ایهام، حسن تعلیل، تلمیح (خصوصاً تلمیح مذهبی)، انواع جناس (به ویژه جناس تام) و حرف‌گرایی آرایه‌های بدیعی پرکاربرد در دیوان هستند.

۲-۳-۴- انواع آرایه‌های بیانی (مجاز، تشبیه، استعاره، کنایه) نیز به طور معمول و با شیوه‌ای استادانه در سراسر دیوان به کار رفته است. بسیاری از ابیات دیوان می‌توانند به عنوان نمونه‌ای از آرایه‌های بیانی مطرح شوند. در پایان، ابیات ابتدایی قصیده دوم به جهت بازنمایی استادی شاعر در به کارگیری آرایه‌های بیانی ذکر میشوند:

سواد سبزه چو خط ننگار پیدائید	به دهر کهنه دگر نوبهار پیدائید
خور از مطالع گرمی چو یار پیدائید	یخیده بود جهان همچو عاشق مهجور
چو سبزه چون عرب نیزه‌دار پیدائید	تحصنید به حصن جبال رومی برف
شکوفه باز نقود نثار پیدائید	ز سیر سروقدان باغها خجل میدند
ز صوفیان سپه تاجدار پیدائید	مگو شکوفه که بهر فرار از یک دی
که از مدینه مرغی منار پیدائید	نه مارچوبه سر از سبزه‌ای برونانید
ز چشمه‌های عیون جویبار پیدائید	به طرز چشم من از مهر ماه‌خساری
چو سیل چون شتر بی‌مه‌ار پیدائید	ز فرط قطره قطارش گمیده در وادی

نتیجه

- نام طرزی افشار و نقد و تحلیل شعر او تحت‌الشعاع طرز جدید او قرار گرفته است و افعال جعلی سبب شده تا کمتر به جنبه‌های مختلف شعر در دیوان او پرداخته شود.
- در دیوان چاپ شده در سال ۱۳۰۹ اشکالات متعددی از منظر تصحیح علمی متون وجود دارد که ضرورت تصحیح انتقادی دیوان را بر مبنای شیوه علمی آشکار می‌سازد.
- بررسی دقیق و سبک‌شناسانه شعر طرزی ما را با شاعری استاد و مسلط به فنون شاعری مواجه میکند که از طرز جدید خود در حلاوت بخشیدن به شعر بهره جسته و نیز گامی در جهت گسترش ساختاری زبان فارسی برداشته است.
- گذشته از موضوعات و مضمون‌پردازی‌های نو، موضوعات و مضامین تکراری نیز با شیوه بیان خاص طرزی در اغلب موارد شیرین و دلنشین میشود.
- بسیاری از افعال جعلی به کار رفته در دیوان، به افعال جعلی مرسوم در زبان معیار نزدیکند و قابلیت ورود به زبان معیار را دارند.
- ایهام پرکاربردترین آرایه در دیوان است. علاوه بر ایهامهایی که به شیوه معمول ساخته میشود، تصرف شاعر در واژگان، امکان ویژه و منحصر به فردی جهت ساختن ایهام خاص به شاعر میبخشد.

منابع

۱. المنجد فی اللغة؛ معلوف، لويس؛ انتشارات اسلام، تهران: ۱۳۸۳
۲. بیان؛ شمیسا، سیروس؛ چاپ چهارم، انتشارات فردوس، تهران: ۱۳۷۳
۳. تاریخ ادبیات در ایران؛ صفا، ذبیح‌الله؛ انتشارات فردوس، تهران: ۱۳۷۸
۴. دیوان خاقانی شروانی؛ به تصحیح ضیاء‌الدین سجادی؛ انتشارات زوار، چاپ هفتم، تهران: ۱۳۸۲
۵. دیوان طرزی افشار؛ به تصحیح محمد تمدن؛ انتشارات کتابفروشی ادبیه، چاپ دوم، تهران: ۱۳۳۸
۶. سبک‌شناسی شعر؛ شمیسا، سیروس؛ ویراست دوم، نشر میترا، تهران: ۱۳۸۳
۷. فرهنگ تلمیحات؛ شمیسا، سیروس؛ ویراست دوم، نشر میترا، تهران: ۱۳۸۶
۸. فرهنگ معین؛ معین، محمد؛ انتشارات راه رشد، تهران: ۱۳۸۲
۹. کلیات سبک‌شناسی؛ شمیسا، سیروس؛ چاپ پنجم، انتشارات فردوس، تهران: ۱۳۷۸
۱۰. کلیات سعدی؛ بر اساس نسخه مصحح محمدعلی فروغی؛ انتشارات آوای ماندگار، قم: ۱۳۹۱
۱۱. کلیات شمس تبریزی؛ جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی)؛ به تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، انتشارات طلایه، تهران: ۱۳۸۰
۱۲. لغت‌نامه؛ دهخدا، علی‌اکبر؛ انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۲۳ تا ۱۳۵۹
۱۳. نگاهی تازه به بدیع؛ شمیسا، سیروس؛ چاپ سیزدهم (ویرایش دوم)، انتشارات فردوس، تهران: ۱۳۸۱

مقالات

- مقاله «طرزی افشار، شاعری یگانه، شیوه‌ای یگانه»؛ انزابی نژاد، رضا؛ مجله نامه فرهنگستان، دوره ۴، شماره ۳، مرداد ۱۳۷۹
- مقدمه، تصحیح و تعلیق دیوان طرزی افشار؛ حنیفی، میثم؛ رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی